

شهری شدن خانه در روستا

مطالعه موردی روستای شقاقی اندر طارم زنجان^۱

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۲)

زهرا احمدی^۲

نعمت‌الله فاضلی^۳

ناهید مؤید حکمت^۴

چکیده

طی چند دهه اخیر روستاهای ایران به لحاظ زیستی و فرهنگی دچار دگرگونی شده‌اند. این تغییرات در سطوح مختلف به چشم می‌خورد؛ بویژه در مقوله خانه که روستای شقاقی اندر در یک دهه اخیر تغییرات زیادی را در این خصوص شاهد بوده است. هدف اصلی مقاله، مطالعه تغییرات خانه در روستای مذکور است. این تغییرات از بعد فیزیکی، عناصر مادی فرهنگ را دربرمی‌گیرد و از بعد غیرفیزیکی، شامل ارزش به عنوان عنصر مطلوب مشترک در یک جامعه است. برای رسیدن به این مطلوب از روش پژوهش کیفی از نوع مردم‌نگاری برای رسیدن به لایه‌های پنهانی معنا استفاده شده است. برای شناخت تغییرات مادی و غیرمادی فرهنگ در خانه روستایی سعی شده است تا تغییرات خانه در روستا از ابتدای شکل‌گیری این منطقه مورد بررسی قرار گیرد. نتایج حاصل از یافته‌ها ما را به نوعی سنخ‌شناسی از خانه، شامل خانه‌های قدیمی، ترکیبی و جدید رساند. در این سه نوع خانه، به تناسب تغییر در عناصر مادی، تغییر در ارزش‌های موجود در خانه نیز دیده شد. خانه‌های قدیمی با مصالح گل و خشت دارای ارزش‌هایی چون همدلی و قناعت بودند و در خانه‌های ترکیبی با مصالح آجر و سیمان همچنان این ارزش‌ها حاکمیت داشتند، اما در خانه‌های جدید با مصالح آهن و آجر ارزش‌های قدیم جای خود را به مقوله چشم و هم‌چشمی به عنوان نوعی ارزش داده است.

کلیدواژه‌ها: روستا، سبک زندگی، شهری شدن، فناوری، مردم‌نگاری.

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده است.

۲. کارشناسی ارشد پژوهشگری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول). رایانامه:

Ahmadiz60@yahoo.com

۳. دانشیار پژوهشکده مطالعات اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. رایانامه: nfazeli@hotmail.com

۴. دانشیار پژوهشکده مطالعات اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. رایانامه:

nahidmoayedhekmat@yahoo.com

مقدمه

ساخت خانه و استقرار آن علاوه بر تاثیرپذیری از عوامل اقتصادی، جغرافیایی و اقلیمی، کنشی فرهنگی است که با آشیانه‌سازی از روی غریزه تفاوت دارد. خانه مفهومی گسترده‌تر از فضای فیزیکی سکونت و پدیده‌ای فرهنگی و مفهومی چندساحتی است. خانه در درجه نخست پدیده‌ای فرهنگی و سپس پدیده‌ای رفاهی و اقتصادی است (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۲۴). در هر دوره تاریخی مفهوم و شکل خانه متناسب با شرایطی که انسان در آن قرار داشته، تغییر کرده است و در دوران کنونی نیز مفهوم خانه چه از لحاظ کالبد بیرونی و چه از لحاظ طراحی و دکوراسیون داخلی عوض شده است. نتایج حاصل از پژوهش‌های پورطاهری و همکاران (۱۳۹۰) مشخص کرد که بین تغییرات فرهنگی و تغییر در الگوی مسکن روستایی رابطه خطی و معناداری برقرار است. قاسمی اردهائی و رستمعلی‌زاده (۱۳۹۱) / افرخته و هواسی (۱۳۹۰)، عنابستانی و همکاران (۱۳۹۴)، مطیعی لنگرودی و بخشی (۱۳۸۹) و رحمانی فضلی و کاویانی (۱۳۸۸) نشان داده‌اند که وام‌های مسکن روستایی اثرات کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سکونتگاه‌های روستایی برجای گذاشته است. عده‌ای از پژوهشگران نیز معتقدند که تغییر فکر و فرهنگ مردم موجب تغییر ساختار فیزیکی مساکن می‌شود و متقابلاً چنین تغییری موجبات دگرگونی در رفتارهای اجتماعی ساکنان آن را فراهم می‌آورد (ملاسرایی به نقل از رکنی خطیر، ۱۳۸۴). یا به گفته راپاپورت^۱ «فضا، امکانات و در عین حال محدودیت‌هایی ایجاد می‌کند و انسان‌ها با توجه به معیارهای فرهنگی خود دست به انتخاب و تأثیر بر فضا می‌زنند. انسان محیط مصنوع را تولید می‌کند و سپس این محیط بر نوع رفتارها و ارتباط انسان تأثیر می‌گذارد.» (Rapoport, 1969: 46)

تفاوت پژوهش حاضر نسبت به پژوهش‌های قبلی پرداختن به تغییرات ارزش‌ها در کنار تغییرات فیزیکی خانه است. روستاها در طی چند دهه اخیر تغییرات زیادی کرده‌اند. در نتیجه ورود فناوری‌ها به روستاها، شیوه زندگی روستاییان رفته رفته به سبک زندگی

1. Amos Rapoport

شهری شدن خانه در روستا ❖ ۱۷

شهری نزدیک‌تر می‌شود و شکل سنتی خود را از دست می‌دهد. البته با وجود تغییرات زیاد در چهره روستا، روستاییان به معنای واقعی شهری نشده‌اند و هنوز هم شیوه زندگی روستایی در کنار سبک زندگی شهری در بیشتر روستاها از جمله زادگاه نگارنده، روستای شقاقی انذر به چشم می‌خورد. بدین ترتیب مسئله‌ای که سبب شد تا به موضوع تغییرات خانه در روستا پرداخته شود، این بود که روستای مورد مطالعه در یک دهه اخیر تغییرات زیادی کرده است و بیشترین نمود ظاهری این تغییرات را می‌توان در مقوله خانه، بویژه به لحاظ فیزیکی مشاهده کرد حال باید دید آیا همزمان با تغییرات فیزیکی در روستاها شاهد تغییر در ارزش‌ها نیز در میان روستاییان هستیم.

برای این منظور، پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به پرسش‌های زیر است:

۱. با شکل‌گیری فضای جدید در نتیجه امروری شدن، تغییرات خانه تابع چه عواملی است؟

۲. همزمان با تغییرات فیزیکی خانه، ارزش‌های موجود در آن چه تغییراتی کرده است؟

نگارنده تجربه به‌نسبت طولانی در دو بستر فرهنگی کاملاً متفاوت روستا و شهر را داشته است، از این رو تجربه زیستن در این بسترهای متفاوت این امکان را برای نگارنده فراهم آورده است تا بتواند تفاوت‌هایی را که بین تلقی‌های سنتی و جدید از خانه وجود دارد و تغییراتی را که در فرهنگ خانه به وجود آورده است، به نحو ملموس‌تری درک و تحلیل کند. این تغییرات فرهنگ خانه در روستای شقاقی انذر در زمینه‌هایی چون امروری شدن، فردی شدن، رسانه‌ای شدن بررسی می‌شود و سعی بر این است تا با شرح این فرایندها به پرسش‌های مطرح شده پاسخ داده شود. بر این مبنا در مقاله حاضر، نخست به ارائه پیشینه پژوهش، سپس ملاحظات نظری، پس از آن روش پژوهش و در مرحله بعد یافته‌ها و تحلیل نتایج پرداخته می‌شود.

پیشینه پژوهش

کتاب *آموس راپاپورت* با عنوان «انسان‌شناسی مسکن» که از سوی خسرو افضلیان در سال ۱۳۸۹ ترجمه شده است. مهم‌ترین پرسش راپاپورت در این کتاب این است که

این همه تنوع در شکل خانه، برگرفته از چیست و چه عواملی بر تعیین شکل خانه‌ها تاثیر گذارند؟ او نظریه‌هایی را که اولویت را به اقلیم و جبرهای جغرافیایی، مصالح و فناوری ساخت و ساز، شکل زمین، عامل دفاعی، معیشت و اقتصاد می‌دهند، به چالش می‌کشد. راپاپورت می‌نویسد: «خانه نه تنها یک سازه بلکه نهادی است که برای اهداف پیچیده‌ای ایجاد شده است. از آنجا که ساخت خانه پدیده‌ای فرهنگی است، شکل و سازماندهی آن به شدت تحت تاثیر محیط فرهنگی است». (Rapoport, 1969: 83).

راپاپورت در نهایت، شکل خانه را حاصل مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی - فرهنگی در وسیع‌ترین شکل آن دانسته و معتقد است آنچه سرانجام، شکل خانه و فضا و روابط آنها را تعیین می‌کند، بینشی است که یک قوم از زندگی آرمانی دارد.

این کتاب اگرچه بر خانه‌های روستایی ایران متمرکز نیست، ولی مقاله حاضر از نظر پایه‌های نظری، تا حد زیادی مبتنی بر این اثر بوده و وامدار گزاره‌های طرح شده در آن است. کتابی از انسان‌شناس فرانسوی کریستین برومبرژه^۱ با عنوان «مسکن و معماری در جامعه روستایی گیلان» با ترجمه علاءالدین گوشه‌گیر در سال ۱۳۷۰ ترجمه شده است. برومبرژه در این اثر، مسکن روستایی گیلان را از حیث مصالح، تکنیک‌های ساخت و نیز هماهنگی با اقلیم بررسی کرده و به ذکر خصیصه‌های بارز این معماری پرداخته است. جدا نبودن فضای فرهنگی خانه از طبیعت پیرامون و پیوستگی طبیعت در خانه، ثابت و سفت بودن ساختمان و نیز مقاومتش در برابر اضافه کردن فضای دیگری به آن، از دیگر ویژگی‌های ذکر شده از سوی اوست. ولی مهم‌ترین موضوع این کتاب، تحلیلی است که برومبرژه درباره رابطه ساکنان و فضا ارائه داده و نقش نظام ذهنی را در تولید فضاهای عینی خانه به نمایش گذاشته است. او سه محور را در سازماندهی خانه‌های روستایی گیلان تشخیص می‌دهد که شامل محور از راست به چپ نمای بیرونی، محور از پشت به جلو و نیز محور از پایین به بالاست. محور راست به چپ، اشاره به اختصاص داشتن سمت چپ خانه به فضای میهمانان و سمت راست خانه به محفل خانوادگی دارد. محور پشت به جلو، اشاره به مراکز ناپاکی چون مستراح، زباله‌دانی و

1. Christian Bromberger

شهری شدن خانه در روستا ❖ ۱۹

طویله در پشت خانه دارد که در مقابل، فضای پاک تولید و مصرف در جلوی خانه قرار می‌گیرد. تحلیل برومبِرژه از محور پایین به بالا نیز جالب توجه است. گذر از فصل سرما به گرما، با نقل مکان ساکنان از بخش پایین خانه به بخش بالایی و بیرونی آن همراه است. همچنین پسر خانه بعد از ازدواج، در طبقه بالا ساکن می‌شود. با این توصیف، برومبِرژه نتیجه می‌گیرد که در خانه‌های روستایی گیلان، هرچه در بالاست، نشانه فصل گرما و دوره جوانی و روابط عاشقانه است و هر چه در پایین است، نشانه فصل بیکاری و محیط نیمه‌عمومی که چیزی برای کتمان ندارد. تغییرات خانه‌های گیلان و اصرار ساکنان بر طرد گذشته‌های سختشان به واسطه دوری گزیدن از خانه‌های بومی، پایان بخش کتاب اوست.

این کتاب از آن رو برای نگارنده حایز اهمیت است که پژوهش برومبِرژه بر خانه‌های روستایی تاکید دارد و جزو معدود آثاری است که در حوزه انسان‌شناسی مسکن به فارسی منتشر شده است و رویکردی انسان‌شناسانه نسبت به پدیده مسکن و ابعاد آن دارد.

دکتر نعمت‌الله فاضلی (۱۳۸۷) اگرچه در مقاله «مدرنیته و مسکن: رویکردی مردم‌نگارانه به مفهوم خانه، سبک زندگی روستایی و تحولات امروزی» به تحلیل خانه روستایی پدری خود در گذشته و امروز می‌پردازد، اما با رویکرد مردم‌نگارانه سرنخ‌هایی را نیز برای درک تغییرات مسکن در ایران به دست می‌دهد که برای پژوهش حاضر قابل توجه است. فاضلی در ابتدای این پژوهش، تعاریف مختلفی از خانه ارائه می‌کند: خانه از دیدگاه اقتصادی «نوعی کالا»، از دیدگاه هنری «نماد»، از دیدگاه جامعه‌شناسانه «نهاد»، از دیدگاه مهندسی و معماری «بنا»، از دیدگاه شهرسازی «فضا» و از دیدگاه انسان‌شناختی نوعی «فرهنگ» است. بر همین اساس او به بررسی تاثیر فرآیندهایی چون مدرن شدن، جهانی شدن، رسانه‌ای شدن، گسترش فناوری‌های ارتباطی، تحول خانواده، عرفی شدن، فناورانه شدن و فردگرایی بر سبک زندگی و نیز خانه می‌پردازد. این پژوهش در نهایت نشان می‌دهد که ویژگی‌های خانه روستایی که عبارت بودند از کالای اقتصادی نبودن، پیوند گسست‌ناپذیر با روستا، زادگاه و پرورشگاه بودن، آمیختگی با اسطوره‌ها و روایت‌های تاریخی خانوادگی، همزیستی با طبیعت و فقدان حریم

۲۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

خصوصی، دگرگون شده است. از این رو دیگر نمی‌توان با رویکردهای کلاسیک، روستا را مقرر سنت و شهر را مقرر مدرنیته دانست. به باور فاضلی نوعی «مدرنیته روستایی ایرانی» در روستاهای ایران شکل گرفته است.

ملاحظات نظری

مفهوم تغییرات خانه در روستای شقایق انذر، به طور مستقیم مورد اشاره هیچ دیدگاه نظری مستقلی قرار نگرفته است. اما این به معنای نبود پشتوانه نظری برای این مفهوم نیست. در رابطه با خانه و تغییرات آن، دیدگاه‌های نظری متعددی وجود دارد که دربرگیرنده عناصر و مفاهیم تاثیرگذار بر تغییرات صورت گرفته در منطقه مورد مطالعه است. در واقع تغییرات روستاها با تکیه بر این بنیان‌های مفهومی و نظری متولد و چارچوب‌مند شده است.

از آنجا که در این پژوهش در بحث نظری بیشتر از آرای آموس راپاپورت و نعمت‌الله فاضلی استفاده شده است، در ادامه با تأکید بر نقش فرهنگ در سازماندهی فضا به نظرات آنها اشاره می‌شود:

راپاپورت، معمار و برنامه‌ریز شهری لهستانی‌الاصلی است که رویکردی انتقادی به معماری مدرن دارد. او را یکی از بنیانگذاران رشته مطالعات رفتار محیطی^۱ می‌دانند. او طرفدار رویکرد فرهنگی - اجتماعی به معماری است و به سنت‌های مردمی ساخت محیط مصنوع احترام می‌گذارد. راپاپورت از بی‌توجهی معماران و نظریه‌پردازان به این سنت‌ها گله می‌کند و نظریه‌های موجود را مبتنی بر شیوه‌های طراحی غربی می‌داند؛ نظریه‌هایی که در تدوین آنها هیچ کدام از ویژگی‌های نقاطی چون آفریقا، آسیا و خاورمیانه و دوره‌های ماقبل کلمب^۲ آمریکا لحاظ نشده است (غزنویان، ۱۳۹۱). او به شدت معتقد است که «محیط‌های به ظاهر بی‌نظم و گیج‌کننده به طور اتفاقی به وجود نیامده‌اند، بلکه معمولاً خود بیانگر ساختی مشخص بر اساس طرح و نظم اجتماعی خاصی هستند» (Rapoport, 1969:12). آموس راپاپورت میل به اسکان را از ویژگی‌های

1. Environment-Behavior Studies (EBS)

2. Columbus

شهری شدن خانه در روستا ❖ ۲۱

زیربنایی رفتار انسان می‌داند و حتی درباره سکونتگاه‌های نخستین، قائل به کارکردی نه صرفاً سرپناهی بلکه بعدی فرهنگی است (Rapoport, 2003: 64). به عبارتی مسکن تنها نوعی ساختار نیست، بلکه نهادی است که برای پاسخگویی به مجموعه‌ای پیچیده از اهداف ایجاد می‌شود. از سوی دیگر مسکن پدیده‌ای اجتماعی است و انتظام و نوع فضاها و همچنین فرم ظاهری آن از عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تأثیر می‌پذیرد. هدف اصلی مسکن به وجود آوردن محیطی سازگار و منطبق بر روش زندگی انسان است. علاوه بر تأمین نیازهای فردی، مسکن باید قادر به برآورده ساختن نیازهای اجتماعی انسان نیز باشد (پوردیهیمی، ۱۳۹۱: ۱۴). مفهوم سکونت در نزد اندیشمندان علوم اجتماعی را باید در رویکرد نظری کلی‌تر آنان به «فضا» جستجو کرد. هر علمی به فراخور موضوع و روشی که اتخاذ کرده است، تعاریف مختلفی از فضا دارد. در علوم اجتماعی فضا مفهومی پیچیده است و معنایی گسترده‌تر از تعاریف صرفاً فیزیکی یا طبیعی دارد. راپاپورت برای توضیح رابطه فرهنگ و محیط، مفهوم فرهنگ را تجزیه می‌کند و در گام نخست فرهنگ را نوعی جهان‌بینی می‌داند. جهان‌بینی «نگرش اعضای یک فرهنگ خاص در یک جامعه به تمام موضوعات مرتبط به هستی‌شناسی است» (همان، ۱۰). راپاپورت ارزش‌ها را به مفهوم فرهنگ نزدیک‌تر دانسته است. ارزش‌ها، دربرگیرنده مجموعه‌ای از ایده‌آل‌ها و آرمان‌هاست که هنجارها و قوانینی را شامل می‌شود و نوعی روش زندگی را شکل می‌دهد که همه فعالیت‌ها بر اساس آن تنظیم می‌شود. به عبارت دیگر، کیفیت انتظام‌بخشی محیط مصنوع تابع ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی است؛ به نحوی که بیشترین همخوانی را با مدل آرمانی آن فرهنگ داشته باشد. (راپاپورت، ۱۳۶۶: ۱۷)

دکتر نعمت‌الله فاضلی (۱۳۹۴) در کتابی با عنوان «تجربه تجدد: رویکردی انسان‌شناختی به امروزی شدن فرهنگ ایران» از «چشم‌انداز تجدد» به جامعه و فرهنگ ایران نگاه کرده است. این کتاب از ۱۸ فصل تشکیل شده است که فصل دوم آن با عنوان امروزی شدن خانه، به مبحث خانه و تغییرات آن می‌پردازد. او در این بخش گرچه خانه روستایی پدری خود را در گذشته و امروز تحلیل می‌کند، با رویکرد مردم‌نگارانه سرنخ‌هایی را نیز برای درک تغییرات مسکن در ایران به دست می‌دهد که برای پژوهش حاضر قابل توجه است.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های توصیفی و کیفی است. در این پژوهش از روش اتنوگرافی استفاده شده است. اتنوگرافی یا مردم‌نگاری رویکردی از پژوهش و نگارش است که در پی توصیف و تحلیل نظامند تجربه شخصی به منظور فهم تجربه فرهنگی است. شیوه گردآوری داده‌های این پژوهش مصاحبه ساخت‌نیافته، مشاهده مشارکتی و عکسبرداری است. ابتدا برای آشنایی با میدان پژوهش، از مشاهده استفاده شد. تکنیک بعدی مورد استفاده، مصاحبه ساخت‌نیافته بود. جامعه آماری پژوهش، همه ساکنان روستای شقایق اندر هستند. اکثر مصاحبه‌ها در این پژوهش یادداشت شدند، چون جمعیت نمونه اجازه ضبط به نگارنده ندادند. البته در ابتدای پژوهش برای رسیدن به تاریخچه و انواع خانه‌های قدیمی در روستا با بزرگان روستا گفتگوهای دوستانه‌ای صورت گرفت، اما در مراجعات بعدی از مصاحبه ساخت‌نیافته برای رسیدن به اطلاعاتی که برای پژوهش لازم بود، استفاده شد؛ به این ترتیب که ابتدا با مرور منابع، ابعاد و جنبه‌های مختلف موضوع پژوهش بررسی شد و مطالعات و تحقیقات انجام شده در این زمینه و رویکردهای نظری مربوط مورد ارزیابی قرار گرفت و سپس بر اساس آنها سوالات اولیه طراحی گردید. تکنیک مورد استفاده بعدی در این پژوهش عکسبرداری بود که در دو مقطع زمانی آذر و دی ۱۳۹۴ و فروردین ۱۳۹۵ انجام شد. در ابتدا از همه جای میدان مورد مطالعه و بویژه بر حسب موضوع از خانه‌ها و داخل آنها عکسبرداری شد و سپس این عکس‌ها بر اساس پرسش‌های پژوهش و یافته‌ها تفکیک و در کار نهایی ارائه گردید. استفاده از عکس‌ها اطلاعات بسیاری را در اختیار ما قرار داد. در این پژوهش بر اساس معیارهای بیان شده و با استفاده از نمونه‌گیری زنجیره‌ای، با ۱۷ نفر از زنان متعلق به قشر کشاورز، دامدار و خانه‌دار با سنین مختلف مصاحبه صورت گرفت. شایان ذکر است که در این پژوهش نمونه‌های انتخاب شده از نوع موارد گویا بوده‌اند، نه موارد معرف؛ بدین معنا که برخلاف پژوهش‌های کمی، اعضای نمونه این پژوهش معرف و نماینده کل جمعیت آماری نیستند، بلکه موارد انتخاب شده تنها بیان‌کننده مجموعه‌ای از اطلاعات و داده‌ها در مورد موضوع مورد نظر ماست.

شهری شدن خانه در روستا ❖ ۲۲

هدف از این پژوهش نیز نه تعمیم است و نه تبیین، بلکه هدف، شناسایی است. در این پژوهش داده‌های گردآوری شده به منظور پاسخ به پرسش‌های پژوهش استخراج و تجزیه و تحلیل شدند. ابتدا بر اساس مصاحبه‌ها، مشاهدات و عکس‌های گرفته شده به سنخ‌شناسی خانه در روستای شقاقی انذر رسیدیم. در مرحله بعد، داده‌های گردآوری شده در راستای موضوع سنخ‌شناسی خانه‌ها مورد مقایسه قرار گرفتند و شباهت‌ها و تفاوت‌های انواع خانه‌ها در روستای مورد مطالعه شناسایی و ثبت شدند.

یافته‌های پژوهش

طی چند دهه اخیر، روستاهای ایران تحت تاثیر تغییرات اجتماعی، از لحاظ زیستی و فرهنگی دچار دگرگونی شده‌اند. با توسعه امکانات و خدمات رفاهی در روستا تغییراتی نیز در شیوه یا سبک زندگی روستایی پدید آمد که ساختار و شکل خانه نیز متناسب با آن دستخوش تغییر شد. در راستای مطالعه تغییرات خانه در روستای «شقاقی انذر» به نوعی سنخ‌شناسی از خانه دست یافتیم که شامل خانه‌های قدیمی، ترکیبی و جدید می‌شدند. این سه نوع خانه از نظر مصالح، موقعیت قرارگیری آشپزخانه، حیاط و ارزش‌های موجود در آنها بررسی و مقایسه شدند. البته بیشترین مقایسه بین خانه‌های قدیمی و جدید صورت گرفته است؛ به این دلیل که خانه‌های ترکیبی به نسبت خانه‌های قدیمی و جدید تغییرات قابل توجهی نداشتند و بیشترین تغییرات مربوط به خانه‌های جدید بود که کاملاً با خانه‌های قدیمی تفاوت داشت؛ از همین رو مقایسه‌ها و تحلیل‌های این پژوهش حول این دو نوع خانه صورت گرفته است.

سنخ‌شناسی خانه در روستای شقاقی انذر

در مطالعاتی که انجام شد، به نوعی سنخ‌شناسی از خانه در روستای شقاقی انذر واقع در شهرستان طارم دست یافتیم. از زمان شکل‌گیری روستای شقاقی انذر، سه گونه معماری از خانه در این روستا شکل گرفته است؛ خانه‌های قدیمی، خانه‌های ترکیبی و خانه‌های جدید. نظر به اینکه هر بنایی در بستر زمانی و مکانی خود گویای خصایص فرهنگی و اجتماعی ساکنان خود است، این سه نوع خانه از نظر نوع مصالح مورد استفاده، موقعیت آشپزخانه، حیاط و ارزش‌های موجود در آنها با هم تفاوت دارند.

الف) خانه‌های قدیمی

در هر دوره‌ای متناسب با شیوه معیشتی روستاییان، شکل خانه و مصالح آن نیز تغییر کرد. در ابتدا که روستاییان عشایر بودند و شغل دامداری داشتند، خانه‌ها با نی ساخته می‌شد و در اصطلاح به آن منزلگاه (منزل موقتی) می‌گفتند. مساحت خانه‌ها متناسب با تعداد اعضای خانواده، از یک اتاق به طول ۵ تا ۱۰ متر در نوسان بود. در این دوره، اهالی به دلایل امنیتی و حفظ دام‌های خود از گزند راهزنان خانه‌های خود را کنار هم می‌ساختند و حیاط، محوطه کوچکی بود که حصار نداشت. زنان نیز کار پخت و پز را روی اجاقی که در وسط خانه تعبیه شده بود، انجام می‌دادند. با وجود این امکانات خیلی کم، خانواده شکل گسترده داشت و چند خانواده در کنار هم زندگی می‌کردند و از یک اتاق، هم به عنوان اتاق نشیمن و هم محل پخت و پز و محل خواب استفاده می‌کردند. زمانی که اهالی به کشاورزی روی آوردند، متناسب با شیوه زندگی خانه‌های خود را با مصالح کاهگل، خشت و تیرهای چوبی ساختند که ضخامت دیوار آن به یک متر می‌رسید. قسمت‌های مختلف داخل اتاق عبارت بودند از: یک در و یک پنجره چوبی، اجاق، دو یا سه طاقچه و در بعضی از خانه‌ها، اندرونی و لندیم^۱. برای زیرانداز خانه از کرک و نمد که از سوی زنان روستا تهیه می‌شد، استفاده می‌کردند. خانه‌های قدیمی با نگاه عمیق به اصالت زندگی و ظرفیت‌های محیطی، به جای بی‌توجهی به نیازهای زندگی و مبارزه با متغیرهای جغرافیایی، در هماهنگی با آن شکل گرفته است. مصادق‌های خوب این نوع معماری را می‌توان در خانه‌های روستایی مشاهده کرد. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های معماری روستایی توجه به طراحی منطبق با نیازهای اولیه مردم و محیط و فعالیت‌های روزمره آنان مانند نوع فضاهای معیشت مردم است (سرتیپی پور، ۱۳۹۰: ۹). حیاط در این خانه‌ها محوطه وسیعی بود که حصار نداشت و انواع فعالیت‌ها در آن انجام می‌گرفت. در نزدیک‌ترین مکان به خانه طویله وجود داشت و این نشان‌دهنده ارزشمند بودن دام‌هایشان بود که تنها سرمایه و دارایی آنها برای تامین مواد غذایی، پوشاک و زیرانداز خانه‌شان به شمار می‌رفت. راوی در این باره می‌گوید: «زمانی که ما در این منطقه ساکن شدیم، راهزن زیاد بود، برای همین اهالی، خانه‌های خود را نزدیک هم می‌ساختند و دام‌هایمان را که تنها سرمایه ما بودند، در

۱. لندیم: محل جمع کردن رختخواب‌ها که در داخل دیوار اتاق تعبیه می‌شود.

شهری شدن خانه در روستا ❖ ۲۵

طویله‌های دیوار به دیوار خانه نگهداری می‌کردیم؛ یعنی طویله‌ها را چسبیده به خانه‌هایمان می‌ساختیم یا بعضی از افراد شب‌ها دام‌هایشان را به اتافی که به داخل خانه باز می‌شد، می‌بردند و نگهداری می‌کردند» (حاجی‌لو، زینب، ۱۳۹۵). در گوشه‌ای دیگر توالی وجود داشت که آن هم از خانه دور بود. در این دوران آشپزخانه معنا نداشت و اجاق اصلی در اتاق نشیمن قرار داشت که محل پخت و پز بود. بنابراین اتاق نشیمن، هم محل نشستن روزانه بود هم محل استراحت و خواب شبانه و هم محل آشپزی. در خصوص ارزش‌های موجود در خانه‌های قدیمی می‌توان به ارزش‌هایی چون همدلی^۱، قناعت و زندگی با بزرگ‌ترها اشاره کرد. در خانه‌های قدیمی خانواده شکل گسترده داشت و با هم زندگی کردن نوعی ارزش بود. هر جوانی که ازدواج می‌کرد، چند سال اول را در خانه پدری زندگی می‌کرد. ناهید که ۶ سال اول ازدواج را با خانواده شوهرش در یک جا زندگی کرده است، تعریف می‌کند: «من زمانی که عروس شدم، ۶ سال اول زندگی را با خانواده شوهرم در یک جا زندگی می‌کردیم. در این مدت من یک کلمه هم با پدرشوهرم حرف نزدم و در پیش او تا حد ممکن صورتم را با چادر می‌پوشاندم، البته ما این را نوعی احترام و ارزش می‌دانستیم و اصلاً احساس اینکه به ما ظلم شده، نداشتیم، ولی متأسفانه امروزه عروس خانواده بدون چادر پیش پدرشوهر حاضر می‌شود و ارزش‌های قدیم را کسی رعایت نمی‌کند و این مسئله نسل ما را خیلی ناراحت می‌کند» (موسوی، ۱۳۹۵). در این دوره به منظور تهیه مواد اولیه برای ساخت خانه نوعی همدلی و همکاری در بین افراد روستا به چشم می‌خورد. عموم خانه‌ها از کاهگل و خشت و تیرهای چوبی ساخته می‌شد. زنان و مردان، دختران و پسران برای آوردن مصالح لازم به بیرون از روستا می‌رفتند و در تهیه مصالح کمک می‌کردند. راوی در این باره می‌گوید: «زمانی که می‌خواستیم اولین خانه گلی خود را بسازیم، من و شوهرم به بیرون از روستا می‌رفتیم و خشت‌هایی را که (در اصطلاح کت گفته می‌شود) از زیر خاک درمی‌آوردیم و شوهرم آنها را به پشت من می‌بست و می‌آوردیم در کنار زمین خانه می‌ریختیم. همه خشت‌های دو تا اتاق خانه را این طوری آوردیم و خانه ساختیم» (حاجی‌لو، گلصنم، ۱۳۹۵). با گذشت زمان خانه‌های قدیمی متناسب با نیاز افراد تغییر کرده و به خانه‌های ترکیبی تغییر شکل داده‌اند.



تصویر شماره ۱: خانه‌ای قدیمی که دیوارهای آن با کریچ^۱ ساخته شده است.
(نگارنده، فروردین ۱۳۹۵)



تصویر شماره ۲: نمای داخلی خانه‌ای قدیمی. (نگارنده، فروردین ۱۳۹۵)

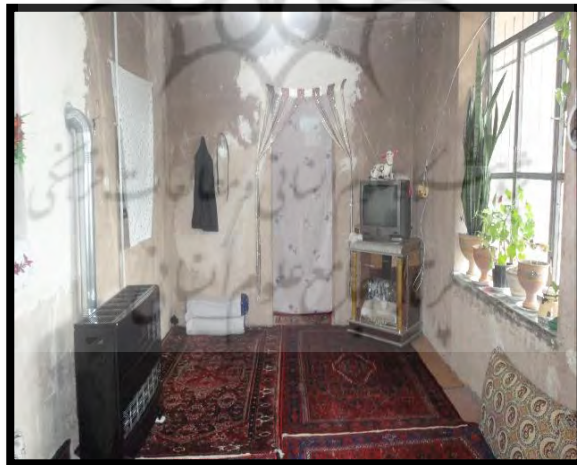
۱. آجری گلی که با استفاده از گل و کاه ساخته می‌شود؛ بدین صورت که بعد از آماده شدن گل آن را درون قالب‌های مستطیلی شکل چوبی می‌ریختند و جلوی آفتاب قرار می‌دادند تا خشک شود.

ب) خانه‌های ترکیبی

این خانه‌ها از لحاظ معماری و امکانات موجود در آن نه خانه قدیمی و نه جدید، بلکه تلفیقی از هر دو گونه معماری‌اند. این گونه خانه‌ها با استفاده از مصالح سنگ یا آجر و سیمان و تیرهای چوبی ساخته می‌شدند. همچنین با متراژ میانگین ۷۰ متر، شامل دو یا سه اتاق بودند که ایوان و حیاط محصور داشتند. حیاط محوطه بزرگی بود که حصارهایی از جنس نی داشت که به آن چَپر می‌گفتند. گاهی نیز حصارها را از جنس سنگ و گل می‌ساختند و بعضی‌ها هم با حفظ ترکیب حیاط و وسعت آن، حصارهایی از سنگ بلوک و سیمان دور حیاط کشیدند. ورودی حیاط حفاظ نداشت و به روی همه مردم باز بود. عناصر موجود در حیاط عبارت بودند از: تنور، حمام، دستشویی، شیرآب، حوض، طویله و انبار. در این خانه‌ها یکی از اتاق‌ها محل پخت و پز بود. وسایل آشپزخانه عبارت بودند از: یک چراغ نفتی یا پیک‌نیک‌گازی، کتری، ظرفی از جنس روی و ملامین و یخچال که بعد از آمدن برق در سال ۱۳۷۰ هجری شمسی به این لوازم اضافه شد. برای گرمایش خانه از بخاری‌های هیز می و بعدها از بخاری‌های نفتی استفاده می‌شد. زیرانداز خانه نیز فرش‌های ماشینی یا قالیچه‌های کرک بود که در زنجان بافته می‌شد. توالت و حمام در این دوران به حیاط اضافه گردید. خانواده‌ها هم به شکل هسته‌ای و هم به شکل گسترده زندگی می‌کردند. تنها در دوره خانه‌های جدید است که همه خانواده‌ها شکل هسته‌ای پیدا کرده‌اند. ارزش‌های موجود در این خانه‌ها همان ارزش‌های خانه‌های قدیمی است و تغییرات قابل توجهی نکرده است. عمده تغییرات در شکل خانه در روستای شقاقی انذر، در یک دهه اخیر صورت گرفته که منجر به شکل‌گیری خانه‌های جدید با مصالح شهری شده است. راوی می‌گوید: «تنها چیزی که باعث شد ما خانه‌های خودمان را به خانه‌های جدید تغییر دهیم، این بود که خانه‌های گلی به نگهداری زیادی احتیاج داشتند و هر سال باید قبل از زمستان پشت بام خانه را با گاهگل اندود می‌کردیم تا زمان بارندگی چکه نکند و این مسئله سبب شده که هرگز راضی نباشیم به خانه‌های قدیمی برگردیم و در آن زندگی کنیم.» (محرمی، ۱۳۹۵)



تصویر شماره ۳: خانه ترکیبی که دارای نوع خاصی از تقسیم‌بندی فضایی است. اتاق سمت راست به عنوان آشپزخانه، اتاق وسط به عنوان اتاق نشیمن و اتاق سمت چپ (که در اصطلاح گله‌ای گفته می‌شود) به عنوان اتاق مهمان مورد استفاده قرار می‌گیرد. (فاطمه احمدی. ۱۳۹۵/۱/۲۰)



تصویر شماره ۴: نمای داخلی خانه ترکیبی. (همان)

ج) خانه‌های جدید

معماری جدید بنا بر حسب نیاز ساخته نمی‌شود و صرفاً تقلیدی از خانه‌های شهری است که بیشتر جنبه نمایشی و ظاهری دارند تا کارکردی. به عبارت دیگر، این موارد تبدیل به وسیله‌ای می‌شوند برای نشان دادن روزآمد بودن، شهری بودن، و منزلتی بالاتر از آنچه که به خودی خود وجود دارد. این مسئله هم در کالبد بیرونی و هم در نحوه معماری داخلی خانه‌ها در روستای شقایق انذر مشهود است. راوی می‌گوید: «در دوران جدید هیچ چیز را بر اساس کارکرد آن انتخاب نمی‌کنند، بلکه براساس چشم و هم‌چشمی، ظاهر و زیبایی آن می‌پسندند. در قدیم هیچ چیز اضافی در خانه وجود نداشت، ولی امروزه در خانه‌های جدید بیش از نیمی از وسایل را هم استفاده نمی‌کنند.» (رضایی، ۱۳۹۵).



تصویر شماره ۵: خانه ساخته شده به سبک شهری در روستای شقایق انذر.

(نگارنده. فروردین ۱۳۹۵)

این خانه‌ها با متراژ بالای ۹۰ متر به صورت یک طبقه ساخته می‌شوند که از یک یا دو اتاق خواب جدا برای فرزندان، پذیرایی، آشپزخانه اوپن، سرویس بهداشتی داخل خانه و ایوان تشکیل شده است در همه خانه‌ها امکاناتی مانند آب و برق و گاز و تلفن موجود است. سیستم‌های گرمایشی و سرمایشی این خانه‌ها بخاری گازی و کولر آبی و در بعضی خانه‌ها کولر گازی است. حیاط در دوران جدید تغییرات زیادی کرده است؛ محوطه کوچکی شده که حصار آن با بلوک و سیمان است و ورودی حیاط در بزرگی است که روی آن آیفون نصب شده است. تنور و طویله از حیاط خانه‌های جدید به بیرون برده شده است و در محلی دور از خانه ساخته می‌شود. راوی ۲۵ ساله می‌گوید: «از زمانی که خانه جدیدمان را ساختیم، اصلاً فکر نمی‌کنم که کامل شده است. همش دوست دارم خانه‌ام منحصر به فرد باشد و هر بار که چیزهای جدیدی می‌بینم دوست دارم وسایل خانه‌ام را عوض کنم. من همش نگران این هستم که نکند بچه‌های فامیل که صبح تا شب در کوچه‌های خاکی بازی می‌کنند، بیایند و لوازم خانه‌ام را کثیف کنند». (رضایی، ۱۳۹۵)



تصویر شماره ۶: نمای داخلی خانه‌های جدید (نگارنده. فروردین ۱۳۹۵)

شهری شدن خانه در روستا ❖ ۳۱

پذیرش ارزش‌های بیگانه، مانند ظواهر فرهنگ غرب، مصرف‌گرایی و فروپاشی ارزش‌های گذشته سبب شده است تا بخش چشمگیری از جامعه، سوداگر و پول‌پرست شوند و آثار آن در قالب حرکات نسنجیده، تزئینات مبتذل منزل، معماری بی‌قواره و آشفتگی رفتارها بروز کند (سرتیپی پور، ۱۳۹۰: ۶۳). روستای مذکور نیز از این تغییرات به دور نبوده است و در خانه‌های جدید می‌توان به نزول ارزش‌هایی مانند قناعت، همیاری با خویشان، زندگی با بزرگترها و... و پذیرش ارزش‌هایی مانند مصرف‌گرایی، انزواگرایی، چشم و همچشمی و مدگرایی اشاره کرد. همه اینها از عوامل تاثیرگذار در تغییرات خانه در روستای شقاقی انذر است.

امروزه پذیرش این ارزش‌ها سبب شده است خانه در روستای مذکور به خانه‌های شهری بیشتر نزدیک شود و سبب ارزشمند شدن زندگی شهرنشینی در میان ساکنان روستا گردد. امروزه با تغییرات خانه در روستاها بویژه روستای شقاقی انذر، خانه، بسیاری از کارکردهای سنتی خود مانند محل تربیت فرزندان، محل تفریح و آسایش، محل جشن‌ها و برگزاری آیین‌ها، محل کار و تولید را به فضاهای بیرون از خانه منتقل کرده است. در روستای شقاقی انذر فردگرایی یکی از پیامدهای امروزی شدن خانه محسوب می‌شود؛ بدین معنا که با گسترش خانواده‌های هسته‌ای و از بین رفتن خانواده گسترده، جوانان تمایل به ساخت خانه‌های شخصی مستقل پیدا کردند. همچنین تخصیص فضای خصوصی به هر یک از افراد خانه (اتاق فرزندان، اتاق خواب والدین)، اهمیت یافتن کارکرد حریم خصوصی، تنوع یافتن سبک‌های دکوراسیون و آرایش منزل و محدود شدن روابط همسایگی، همگی بخشی از فرایند فردی شدن خانه‌اند. (فاضلی، ۱۳۹۴: ۹۰). یکی از عوامل مهم تاثیرگذار در زمینه تغییرات خانه فناوری است که مهم‌ترین تاثیر فناوری‌های ارتباطی و رسانه‌ای در زمینه خانه، تقلیل دادن یکی از مهم‌ترین کارکردهای خانه یعنی حریم‌سازی است. در سطح روستاها نیز این امنیت با ورود رسانه‌های تصویری مانند تلویزیون، اینترنت و گوشی‌های هوشمند به مخاطره افتاده است. حریم خصوصی در خانه‌های امروزی کم‌رنگ شده است. فرزندان با قرار گرفتن در فضای مجازی در معرض آگاهی از پشت صحنه زندگی روزمره هستند. پشت صحنه‌ای که تا به امروز، خانه به عنوان قلعه‌ای فرهنگی از آن محافظت کرده

۳۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

است، ولی امروزه با ورود رسانه‌های تصویری این نقش خانه در حال دگرگونی است. دلیل دیگر تغییرات خانه در یک دهه اخیر در روستای مذکور استفاده از وام مسکن روستایی است که از سال ۱۳۸۵ به بعد به روستاییان داده شد و این شروع تغییرات خانه و شکل‌گیری خانه‌های جدید در روستا بود.

جمع‌بندی

گفته شد که در سنخ‌شناسی خانه‌ها در روستای شقاقی انذر، سه نوع خانه از یکدیگر قابل تفکیک است؛ خانه‌های قدیمی، ترکیبی و جدید که از نظر مصالح، موقعیت آسپزخانه، حیاط و ارزش‌های موجود در آن بررسی و مقایسه شدند. اما در این بخش، خانه‌ها را بر دو نوع خانه‌های قدیمی و جدید استوار می‌کنیم؛ به این دلیل که خانه‌های ترکیبی به نسبت دو نوع خانه دیگر تغییرات قابل توجهی نکرده است. براساس نتایج به دست آمده از سنخ‌شناسی خانه، معنای خانه در روستای شقاقی انذر متناسب با تغییرات فیزیکی آن دچار دگرگونی‌هایی شده است؛ از جمله اینکه خانه‌های ساخته شده امروزی در روستا بیش از آنکه مبتنی بر شیوه معیشتی باشد، مبتنی بر آداب زیبایی‌شناسانه است. مسکن در گذشته همواره با طبیعت و زیست‌محیط انسان پیوندی نزدیک داشته است و بدون سازگاری با آن نمی‌توانست به حیات خود ادامه دهد. اما انسان امروز با استفاده از فناوری به دستکاری طبیعت می‌پردازد و بر آن مسلط می‌شود تا بتواند خانه‌ای بسازد که با اعتقادات، زیبایی‌شناسی، جهان‌شناسی و کلیت فرهنگ امروز او سازگار باشد. جمع‌بندی از یافته‌های پژوهش ما را به این نکته راهنمایی می‌کند که تغییرات فرهنگی در زندگی روستاییان توانسته است تغییراتی را در الگوی خانه روستایی به وجود آورد. در مقایسه با نتایج پژوهش‌های انجام گرفته در داخل کشور، مطالعه حاضر مؤید این مطلب است که تغییرات اجتماعی در زندگی روستاییان سبب بروز تغییراتی در الگوی مسکن روستایی در حوزه‌هایی مانند نوع استفاده از وسایل و امکانات جدید در داخل مساکن و طراحی و پلان‌های معماری متفاوت از معماری سنتی در مساکن روستایی شده است. اما نتایج متفاوت این پژوهش نسبت به پژوهش‌های قبلی، بررسی تغییرات کالبدی و عناصر مادی فرهنگ خانه و چگونگی

شهری شدن خانه در روستا ❖ ۳۳

تأثیر این تغییرات بر ارزش‌های موجود در زندگی ساکنان روستای شقایق اندر است. از جمله تغییرات ارزش‌ها می‌توان به نزول ارزش‌هایی مانند قناعت، همیاری با خویشان، زندگی با بزرگترها و... و پذیرش ارزش‌هایی مانند مصرف‌گرایی، انزواگرایی، چشم و همچشمی و مدگرایی و غیره... اشاره کرد که با شکل‌گیری خانه‌های جدید این ارزش‌ها جایگزین ارزش‌های موجود در خانه‌های قدیمی شده است. گرایش خانواده‌ها به پدیده «مصرف‌گرایی» بیشتر در مقوله خانه نمود دارد و این گرایش موجب پدید آمدن مقوله «چشم و همچشمی» در بین زنان روستا شده است. ضمن آنکه پیامد چشم و همچشمی نیز به بالا رفتن هزینه خانواده به منظور خانه‌دار شدن افراد و کاهش رفت و آمد بستگان به خانه همدیگر انجامیده است. پیامدهای دیگر امروزی شدن خانه تمایل جوانان به داشتن خانه شخصی مستقل از خانواده و خانه پدری، تخصیص یافتن فضای خصوصی به هر یک از افراد خانه، تنوع یافتن سبک‌های دکوراسیون و آرایش منزل و محدود شدن روابط همسایگی است.

منابع

- افراخته، حسن؛ هواسی، نبی (۱۳۹۰). «تحلیلی بر نقش وام مسکن در توسعه روستایی: مطالعه موردی دهستان سید ابراهیم دهلران». مجله جغرافیا. سال ۹، شماره ۳۱. صص ۵۵ - ۷۶.
- برومبوزه، کریستین (۱۳۷۰). مسکن و معماری در جامعه روستایی گیلان. ترجمه علاءالدین گوشه‌گیر. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- پاپلی یزدی، محمدحسین؛ ابراهیمی، محمدمیر (۱۳۹۱). نظریه‌های توسعه روستایی. تهران: انتشارات سمت.
- پوردیهیمی، شهرام؛ ساسان؛ سیدکلال (۱۳۹۱). «فضای منظر، پیوندگاه فرهنگ و طبیعت»، مسکن و محیط روستا. شماره ۱۳۸. تابستان. دوره ۳۱. صص ۱۷ - ۲۸.
- پورطاهری، مهدی؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ نیکبخت، منصوره (۱۳۹۰). «اثرات تغییرات فرهنگی بر الگوی مسکن روستایی: مطالعه موردی روستاهای بخش مرکزی شهرستان قزوین». فصلنامه علمی - پژوهشی فضای جغرافیایی. سال یازدهم، شماره ۳۵. صص ۱۱۵ - ۱۳۴.

۳۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

- راپاپورت، ایموس (۱۳۶۶). **منشأ فرهنگی مجتمع‌های زیستی**. ترجمه راضیه رضازاده. تهران: جهاد دانشگاهی علم و صنعت ایران.
- راپاپورت، ایموس (۱۳۸۸). **انسان‌شناسی مسکن**. ترجمه خسرو افضلیان. تهران: انتشارات حرفه هنرمند.
- رحمانی فضلی، عبدالرضا؛ کاویانی، یونس (۱۳۸۸). «اثربخشی اعتبارات خرد در بهسازی مسکن روستایی». **فصلنامه جغرافیا**. سال هفتم، شماره ۲۳، صص ۲۹-۴۲.
- رکنی خطیر، یعقوب (۱۳۸۴). «بررسی تغییرات فرهنگی مسکن و معماری: مطالعه موردی روستای گل‌افشان قائم‌شهر در استان مازندران». **پایان‌نامه کارشناسی ارشد مردم‌شناسی**. دانشگاه تهران.
- سرتیپی پور، محسن (۱۳۹۰). «پدیدارشناسی مسکن روستایی». **مسکن و محیط روستا**، شماره ۱۳۳. بهار. دوره ۳۰. صص ۳-۱۴.
- عنابستانی، علی‌اکبر (۱۳۹۴). «برآورد میزان تاثیرپذیری الگوی مسکن روستایی از تغییرات فرهنگی زندگی روستاییان: مطالعه موردی شهرستان بینالود». **جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی**. سال ۲۶، پیاپی ۵۸، شماره ۲. صص ۲۷۷-۲۹۸.
- غزنویان، زهرا (۱۳۹۱). «انسان‌شناسی فضای خانگی شهری: از مطلوبیت تا واقعیت» **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۷). «مدرنیته و مسکن: رویکردی مردم‌نگارانه به مفهوم خانه، سبک زندگی روستایی و تحولات امروزی»، **فصلنامه تحقیقات فرهنگی**. سال اول، شماره ۱، پاییز، صص ۲۵-۶۳.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۴). **تجربه تجدد: رویکردی انسان‌شناختی به امروزی شدن فرهنگ ایران**. تهران: انتشارات پژوهشگاه مطالعات فرهنگی وزارت علوم.
- قاسمی اردهائی، علی؛ رستمعلی‌زاده، ولی‌الله (۱۳۹۱). «اثرات وام مسکن روستایی در تغییرات زندگی روستایی». **مسکن و محیط روستا**، شماره ۱۳۹. پاییز. صص ۶۷-۸۴.
- مطیعی لنگرودی، سید حسن؛ بخشی، زهرا (۱۳۸۹). «نقش اعتبارات مسکن در توانمندی و ماندگاری جمعیت روستایی در دهستان بیهقی»، **پژوهش‌های جغرافیای انسانی**. شماره ۷۲. تابستان. دوره ۴۲. صص ۳۱-۴۶.

شهری شدن خانه در روستا ❖ ۳۵

- Rapoport, A, (1969). **House, form and culture**. Englewood cliffs, N, J: Prentice ° Hatl.
- Rapoport, A, (2003). **Culture, Arquitectura**. Y.Diseno. Barcelona: Edicions. De Ia University at politecnica de catalunya.

راویان

- حاجیلو، زینب، ۵۰ ساله، بی سواد، کشاورز، اردیبهشت ۱۳۹۵
- حاجیلو، گلصنم، ۸۳ ساله، بی سواد، دامدار، اردیبهشت ۱۳۹۵
- رضایی، زینب، ۲۵ ساله، راهنمایی، خانه دار، اردیبهشت ۱۳۹۵
- کرمی، گلدسته، ۶۶ ساله، بی سواد، خانه دار، اردیبهشت ۱۳۹۵
- محرمی، طیفا، ۵۸ ساله، بی سواد، دامدار و کشاورز، اردیبهشت ۱۳۹۵
- موسوی، سیده ناهید، ۵۳ ساله، نهضت سوادآموزی، کشاورز، اردیبهشت ۱۳۹۵



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی